

# وجه تسمیه کوه صفة اصفهان

سید احسان الله عظیمی

صفوی - در سال ۱۰۴۷ ه. ق متولد شد، و در سال ۱۱۰۸ ه. ق بدرود حیات گفت. از آثار مکتوب وی می توان به: سبع المثنائی که منبع اصلی این مقاله می باشد، نورالهدایة و مصدرالولایة، خلاصة الحقایق و دیوان قصاید و غزلیات اشاره نمود. شیخ در اشعارش به نجیب الدین، زرگر، جوهری و رضا تخلص می نموده است. مدفن آن بزرگ، در تخت فولاد اصفهان بوده و تربت کیمیا اثرش در طی گذشت ایام و به هنگام احداث فرودگاه سابق شهر، مورد تسطیح قرار گرفته است. بررسی زندگی و آثار شیخ نجیب الدین رضا را

در مورد شهر تاریخی اصفهان که در ردیف قدیمی ترین شهرهای جهان قرار دارد، مطالب زیادی نوشته شده و منابع متعددی در دست است. این منابع فقط به نویسندگان ایرانی محدود نشده، بلکه سیاحان خارجی نیز در این مورد سهم بسزایی داشته اند. از جمله نکاتی که تاکنون مورد بررسی و تحقیق قرار نگرفته، وجه تسمیه کوه صفة می باشد. کوهی که با ارتفاع ۲۲۴۰ متر در جنوب شهر و مشرف به جلگه اصفهان قرار دارد. اگر بخواهیم تاریخ اصفهان را به دو دوره پیش از عصر صفوی و از عصر صفوی تا به امروز تقسیم کنیم باید بگوییم، دامنه دانسته های ما در مورد کوه صفة در دوران اول محدود است به حضور فرقه اسماعیلیه در آن و استفاده از قلاع مستحکم شاهدز که از نظر سوق الجیشی برای آنان مهم بوده است و در عین حال هیچ کجا از این کوه به نام «صفة» یاد نشده است.<sup>۱</sup> موسوم شدن این کوه به «صفة» از اواخر دوران صفویه می باشد. آنچه که راهگشای این مسأله گردیده است، کتاب ارزشمند سبع المثنائی (جلد هفتم مثنوی مولانا) اثر طبع عارف بزرگ عصر صفوی شیخ نجیب الدین رضا تبریزی اصفهانی سی امین قطب سلسله ذهبیه<sup>۲</sup> می باشد. شیخ نجیب الدین رضا - معاصر شاه سلیمان

۱- رجوع به مقاله شاهدز کجاست؟ نوشته آقای محمد مهربار، نشریه دانشکده ادبیات اصفهان، شماره یکم، سال یکم، ۱۳۴۳.  
۲- در جهان اسلام ۴ سلسله فقر و عرفان به واسطه ۴ تن از خواص و اصحاب سزائمه معصومین علیهم السلام به ۴ امام همام منتهی و متصل است.  
الف - سلسله رفاعیه به واسطه کمیل بن زیاد به حضرت علی(ع)  
ب - سلسله نقشبندیه به واسطه ابراهیم ادهم به حضرت سجاد(ع)  
ج - سلسله شطاریه به واسطه بایزید بسطامی به حضرت صادق(ع)  
د- ذهبیه به واسطه معروف کرخی به حضرت رضا(ع)

به مقاله‌ای دیگر موکول و توجه خوانندگان علاقه‌مند را به منابعی که درباره وی سخن گفته‌اند معطوف می‌داریم.<sup>۳</sup>

کتاب *سبع‌المثانی* که در سال ۱۰۹۴ ه.ق و در دوره زمامداری شاه سلیمان صفوی به رشته تحریر درآمده است را آقامیرزا احمد تبریزی «و حیدر الاولیاء»<sup>۴</sup> برای اولین بار در سال ۱۳۴۲ ه.ق (در اواخر دوره حکومت قاجار) در مطبعه احمدی شیراز با چاپ سنگی منتشر کرده است. نسخه ثانی این کتاب را در همان سالها آقای حاج میرزا محمدعلی حبّ حیدر «ابوالفتوح»<sup>۵</sup> در اختیار مرحوم حاج میرزا محسن عمادالفقراء<sup>۶</sup> متخلص به «حالی» قرار داد و وی آنرا استنساخ نمود. شیخ نجیب‌الدین رضا در صفحه ۲۳۲ کتاب *سبع‌المثانی*، اطلاق کلمه صفة به این کوه را به دلیل حضور میرعلی صفة که از عرفای آن عصر بوده و آنجا را محل زندگی و عبادت خود ساخته بوده، بیان می‌کند. میرعلی صفة یکی شهباز بود

در میان عاشقان ممتاز بود  
با همه قوت نموده ترکها

کرده در کوه صفاهان خویش جا  
صفة جایش بود با کوچ و بنه

ساخته با هشت چوبی طنطنه  
کوه صفة گشته بُد مشهور از آن

که علی صفة بُدش آنجا مکان  
در زمان شه سلیمان زمان

این شه منصور شاه شیعیان

شاه سلیمان که به میرعلی صفة ارادت داشته است در شیراز خدمت شیخ دهدار می‌رسد و جویای حال او می‌شود. شیخ دهدار به او می‌گوید که میرعلی در اصفهان می‌باشد. شاه سلیمان و شیخ دهدار شبانه از شیراز راهی اصفهان می‌شوند و به محض رسیدن به دیدار او می‌روند. شاه سلیمان از میرعلی دعوت می‌کند تا در کاخ سلطنتی مهمان او شود اما میرعلی این دعوت را نمی‌پذیرد. (شیخ

نجیب‌الدین رضا مذاکرات بین میرعلی و شاه سلیمان را در صفحات ۲۳۳ و ۲۳۴ کتاب *سبع‌المثانی* به تفصیل بیان می‌دارد):

گفت ای شه مصلحت نبود که من

نان خورم در سفرهات بی شک و ظن

شه سلیمان زین سخن دلگیر شد

روی در هم برد و با تأثیر شد

گفت لقمه در زمان و در مکان

بجلس شاه و گدا یکسان بدان

لقمه در خوان شهبان عجب آورد

فسقر را شأنش به استغنا شود

این طریق سروران اولیاست

پیروی شاه مردان مرتضاست

انگیزه شیخ نجیب‌الدین رضا از نقل این داستان و رد تقاضای شاه سلیمان از ناحیه میرعلی همان است که در آخر داستان نتیجه‌گیری می‌کند و آن پرهیز از لقمه حرام می‌باشد.

این بود تأثیر لقمه ای عزیز

ز آن سبب کرده است پیغمبر تمیز

لقمه آرد جان و ایمان را خراب

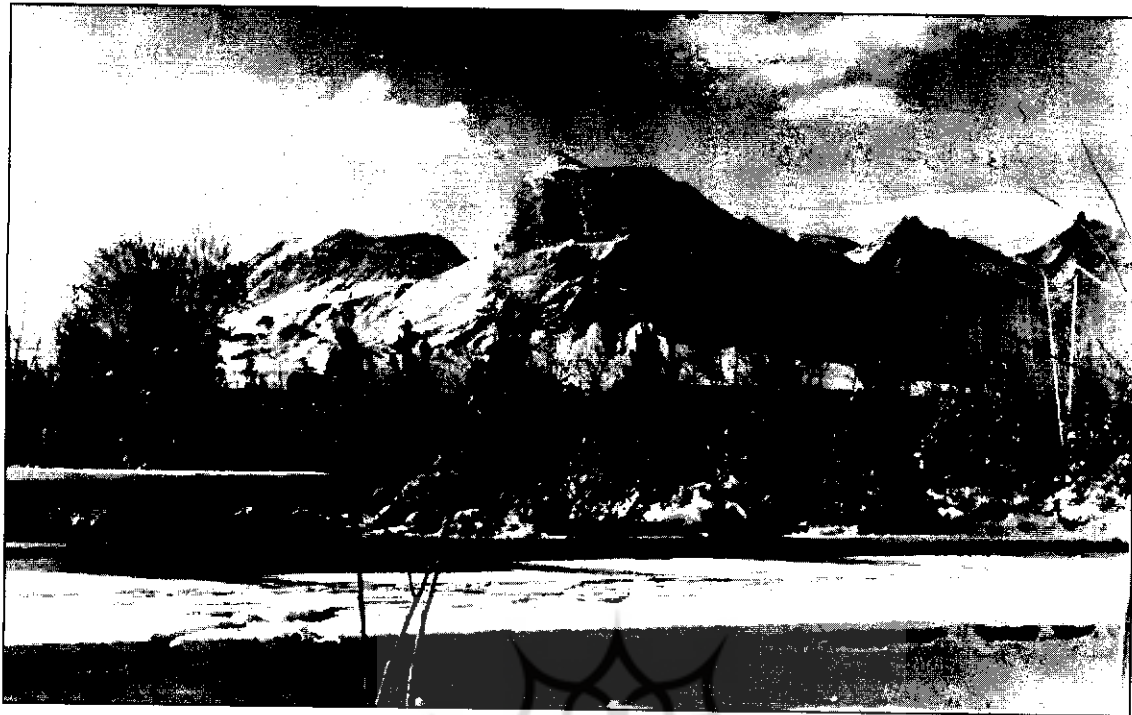
لقمه آرد آب معنی را شراب

۳- اصول تصوف (دکتر استخری)- ذهبیه، تصوف علمی و آثار ادبی (دکتر اسدالله خاوری)- ریاض العارفین (رضا قلی‌خان هدایت)- تذکرة القبور (ملا عبدالکریم گزی)- دانشمندان و بزرگان اصفهان (سید مصلح‌الدین مهدوی)- سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان (سید مصلح‌الدین مهدوی)- ریحانة الادب (مدرس تبریزی)- لغت‌نامه دهخدا (علامه دهخدا)- الذریعه (شیخ آقابزرگ تهرانی)- تخت فولاد اصفهان (ابوالقاسم جندقیان).

۴- نامبرده سی و هفتمین قطب سلسله ذهبیه می‌باشد. رجوع به کتاب «اصول تصوف».

۵- نامبرده سی و هشتمین قطب سلسله ذهبیه می‌باشد. رجوع به دیباچه کتاب «دل و عشق» از انتشارات خانقاه احمدی شیراز.

۶- وی از دانشمندان معاصر می‌باشد. از آثار چاپ شده او می‌توان به «دیوان حالی»، «تذکرة السالکین» و کتاب «ره آورد معنوی در شرح ابیات مشکله مثنوی» اشاره کرد.



پیامبر در مدینه که عده‌ای از مسلمانان بی‌بضاعت از قبیل سلمان و اباذر و مقداد و... آنجا را محل زندگی و عبادت خود ساخته بودند و کلمات صوفی و تصوّف هم از اینجا نشأت گرفته است.<sup>۹</sup> به بیان شیخ نجیب‌الدین رضا که می‌گوید:

کیست صوفی بازمانده از رسول  
صاحبان صفه تا زوج بتول  
صفه‌ای کان مصطفای با صفا  
با علی می‌بود و مردان صفا

۷- سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، مطبعة برادران باقراف، چاپ اول، شعبان‌المعظم ۱۳۳۱ ه. ق.

۸- مقاله محققانه دکتر لطف‌الله هنرفر در مجله هنر و مردم، سال چهاردهم، شماره ۱۵۷، آبان‌ماه ۱۳۵۴.

۹- برای حالات اصحاب صفه به «حلیة الاولیاء» اثر حافظ ابونعیم اصفهانی (متوفی ۴۳۰) جلد اول، ص ۳۴۵، که عده آنها را زیاد و به ترتیب حروف تهجی نام برده است و «عوارف‌المعارف» سه‌رودی که عده آنها را ۴۰۰ نفر نگاشته و همچنین «نفحات‌الانس» جامی و کتاب «اللمع» ابونصر سراج رجوع شود.

در میان سیاحان اروپایی عصر صفوی نیز، ژان باتیست تاورنیه جهانگرد فرانسوی در سفرنامه خود (ص ۵۸۴) چنین می‌نویسد:<sup>۷</sup>

«در سمت جنوب به فاصله دو لیو (Lieu) حدود ۴/۵ کیلومتر) از شهر اصفهان، یک کوه بسیار مرتفعی بلند شده است که در قلّه آن از جانب مغرب، آثار یک قلعه دیده می‌شود و می‌گویند جنگ دومی که اسکندر با ایرانیان درانداخت در همین صحرا بوده و داریوش در آن قلعه اقامت داشته است. در طرف مشرق یک غاری در سنگ دیده می‌شود که یا طبیعی است یا اینکه دست طبیعت و صنعت هر دو در ایجاد آن شرکت داشته‌اند. یک چشمه آب بسیار خوب از آن بیرون می‌آید و یک درویشی در آنجا منزل دارد. در بعضی منابع به این کوه «صوفی» هم اطلاق شده است.<sup>۸</sup> وجود «چشمه درویش» هم به همین موضوع دلالت دارد.

«صفه» که در لغت به معنی ایوان و سکو می‌باشد، منشأ اولیه آن سکویی بوده در مسجد



عمارت تخت سلیمان در دامنه کوه صفه (چشمه پاچنار فعلی)

- گفت و اصبر نفسک<sup>۱۰</sup> حق با رسول  
باش با ایشان که من دارم قبول  
اهل صفه نام این اهل صفا  
کرده بود از لطف و احسان مصطفی  
مصطفی را امر شد از شأنشان  
چشم خود را بر مدار از رویشان  
معذرت هر لحظه ز ایشان می نمود  
آن حبیب حضرت حی و دود  
با اباذر گفت حضرت ذکرشان  
ابن بابویه کرده نقل آن  
در جای جای کتاب سبع المثانی که ماجرای یک  
داستان مفصل معنوی می باشد از اماکن دیگر شهر  
اصفهان هم یاد شده است.  
بیت الاعلی شد علی قاپی دگر  
بسقعه توحید مردان هنر<sup>۱۱</sup>  
نام او دروازه دولت بود  
چارباغش در عقب وصلت بود<sup>۱۲</sup>
- چارباغ و چارحوض و رود دل  
هفت دیگر باغ با هم متصل<sup>۱۳</sup>  
رفتند اندر چشمه جسم فرو  
سر بر آوردم ز زرین شهر او<sup>۱۴</sup>  
بدین ترتیب روشن می گردد که حضور عارف  
مذکور یعنی میرعلی صفه در این کوه سبب شده تا  
آنرا کوه صفه بنامیم.  
\*\*\*
- ۱۰- سوره کهف، آیه ۲۸. ۱۱- سبع المثانی، ص ۱۷۳.  
۱۲- همان، ص ۱۷۴.  
۱۳- سبع المثانی، ص ۲۰۸. شایان ذکر است که عمارت چهار  
حوض از آثار دوران تیموریان در اصفهان است که دارالحکومه  
امیرزاده رستم بن عمر شیخ بن گورکان بوده است که امروز تالار  
تیموری نام دارد. برای آگاهی بیشتر در مورد این بنا به کتاب  
گنجینه آثار تاریخی اصفهان، تألیف دکتر لطف الله هنرفر  
مراجعه شود.  
۱۴- سبع المثانی، ص ۲۱۵.